

۹۲ - اختیار تام موصی در اموالش

و در رساله سؤال و جواب است: "سؤال آیا شخص میتواند در کتاب وصیت از اموال خود چیزی قرار دهد که بعد از وفات او در امور خیریه صرف شود بغیر اداء حقوق الله و حقوق ناس یا اینکه بغیر از مخارج کفن و دفن و حمل نعش حقّی ندارد و ما بقی اموال کما فرض الله بوزّات میرسد جواب انسان در مال خود مختار است اگر بر اداء حقوق الهی موقّق و همچنین حقّ النَّاس بر او نباشد آنچه در کتاب وصیت مینویسد و اقرار و اعتراف نماید مقبول بوده و هست قد اذن الله له بان يفعل فیما ملّکه الله کیف یشاء"¹

و در لوحی است قوله الاعلی: "از اختیار عبد در اموال مخصوصه خود نمودی که اگر بخواهد در حین حیات اموال خود را بیک نفس بخشد و یا بذل کند مختار است یا باید بما نزل فی کتاب الاقدس عمل شود از قبل حکم آنچه ذکر نمودی از قلم اعلی جاری و نازل و حال مجدداً ذکر میشود فضلاً من لدنا علیک لتفرح و تکون من الحامدین هر نفسی در اموال خود مختار بوده و هست چه اگر اختیار منع شود عزّ وجود محو گردد در یک مقام عزّت عباد باموال بوده و هست"

و از حضرت عبدالمهتاج است قوله العزیز: "اما مسأله موارث این در صورتی است که شخص متوفی وصیت ننماید آنوقت این تقسیم جاری گردد ولی هر نفسی مکلف بر وصیت است بلکه فرض و واجب است و صریح نصوص الهیه است که در حالت صحّت خویش باید حکماً وصیت نماید و بحسب میل خویش هر نوعی که بخواهد وصیت کند و آن وصیت نامه را مختوم بدارد و بعد از وفاتش باز شود و بموجب آن عمل گردد در اینصورت شخص متوفی میدانی وسیع دارد که در زمان حیات بهر قسمی که میل دارد وصیت نماید تا مجری شود"

و قوله العزیز: "اما مسأله میراث که سبب تحیر است حقیقتش این است که انسان مختار مطلق است و هر قسم بخواهد بموجب وصیت نامه اموال را در ایام خویش بین ورّاث تقسیم مینماید و توزیع میکند که بعد

¹ با اینکه قانون مالکیت شخصی ملازمه دارد که مالک در وصیتش نسبت بما یملک و من یوصی له هر چه و هر که و هر قدر مجاز و ممضی باشد در شریعت مدونه اسلامی و نیز قانون فرانسه و هلند و بلژیک وصیت را نسبت به بیش از ثلث ترکه جز با رضا و امضاء ورثه نظر بمصالحی ممضی نکرده ولی در همان قانون فرانسه وصیت شوهر در ترکه خود نسبت بزوجه اش ولو همه ما یملک را در حق دیگری وصیت کند نافذ دانست سنل الرضا بائ علیه صار المیراث للذکر مثل خط الانثیین قال لما جعل الله لها من الصّداق قال ابو جعفر المرأة لا تكون ابدأ اکثر نصیباً من الرجل لو کان مکانها.

از او مجری گردد وصیت فرض بر کلّ است یعنی هر نفسی باید در ایّام حیات خویش وصیتی محکم و متین و صریح بنویسد و مهور و مستور نماید و در محلّ بسیار امنی محفوظ دارد و در وصیت مختار است و وصیت نامه معمول به و مقدّم بر هر حکمی است و نفسی مقتدر بر تغییر و تبدیل نیست در اینصورت اگر جمیع اموال را باولاد خویش دهد مقتدر است اما اگر نفسی اطاعت امر نکند و وصیت نامه ننویسد و این تکلیف الهی را مخالفت نماید و یا آنکه وصیت نامه از میان برود اموال او بر حسب اسهام مفروضه تقسیم شود و فی الحقیقه این حکم مبرم اعظم حکمتش این است که نفسی بیوصیت نامه نفس نکشد ملاحظه می‌فرمائید که از جهت عدم وصیت نامه میراث بتمامها بر خلاف رضای مورث توزیع و تقسیم و تفریق میشود و چه مشکلاتی و منازعاتی حاصل گردد ولی وصیت نامه قاطع هر نزاعی و سبب راحت کلّ زیرا انسان بحسب آرزو و خواهش خویش وصیت مینماید چقدر خوش است که اموال موروثه تماماً برضا و آرزومندی مورث تقسیم شود و توزیع گردد ملاحظه کنید که بسیار نفوس قبل از وفات از ممت خویش چقدر مضطرب‌اند حال این حکم الهی یعنی فرضیت و وجوب وصیت نامه قبل از فوت حلّ جمیع این مشکلات گردد "